

# وجه اشتراک سپهری و علی شریعتی

تأملی بر کتاب «فلسفه لاجوردی سپهری»

گفت و گواز: علیرضا شیرازی نژاد

منبع: روزنامه ایران، صفحه اندیشه، مورخ: ۹۵/۱/۲۵

بتازگی انتشارات صراط دومین کتاب سروش دباغ درباره سهراب سپهری را با عنوان «فلسفه لاجوردی سپهری» منتشر کرده است که دباغ در آن تحلیلی نوین درباره آرا و اندیشه‌های سهراب سپهری ارائه کرده است.

اگر مانند سهراب سپهری زیستن در کنار مردمان شرق و غرب، از ژاپن و چین و افغانستان گرفته تا لندن و پاریس را تجربه کنیم، ممکن است با سبک و سیاق‌های مختلفی از زندگی متجدد آشنا شویم و پرده‌های متفاوتی از اندیشه‌ها و تفکرات و مصنوعات انسان از منظر ما کنار زده شود، یا شاهد تخریب محیط زیست و آثار جنگ و شتاب‌های آنی تجدد باشیم، اما در همه جا آسمان «آبی» است. در عصر جدید برای انسان سخت بوده است تا «سنت و معنویت» را به راحتی با «تجدد و تکنیک» جایگزین کند یا بهتر بگوییم اگر گاهی هم، چنین کرده خشنودی‌اش بی‌دوام و مبهم بوده است ولی کم نبوده‌اند کسانی که به چگونگی رهایی از مرحله سؤال در زندگی فکر کرده‌اند.

دکتر سروش دباغ (متولد ۱۳۵۳-تهران) از جمله پژوهشگران فلسفی است که گسست میان سنت و مدرنیته را حس کرده است و این دغدغه وی باعث شده تا در سیر سگال و سلوک نقد سهراب سپهری نسبت به زمانه جدید، قرابت ویژه‌ای را با خویش بیابد. او مدت زیادی است که با سهراب انس داشته و درباره شعرهای او تأمل دارد. البته همانطور که خود عنوان می‌کند، مواجهه او با آثار سهراب سپهری از منظر یک منتقد ادبی که برای مثال بخواهد به بررسی تکنیک شعری سهراب پردازد، نیست بلکه معطوف به «سویه‌های اگزستانسیال و عرفانی و معنوی» اشعار او است.

کتاب «فلسفه لاجوردی سپهری» عموماً مجموعه مقالاتی است که مؤلف در آن با خوانشی فلسفی و با زبانی سلیس به واکاوی شعر و عرفان سهراب سپهری پرداخته است.

درباره این کتاب و پروژه شکل‌گیری و محتوا و مضمون آن با دکتر سروش دباغ هم‌صحبت شدیم و پرسیدیم که «آیا می‌توان از شعرهای سهراب به ساختاری فلسفی از اخلاق دست پیدا کرد؟» و دکتر دباغ چنین به ما پاسخ داد: «سپهری

فلسفه نخوانده بود و فیلسوف نبود در عین حال، اندیشه‌های عمیق و دغدغه‌های اگزیستانسیل ژرفی در اشعار و «اطاق آبی» او به چشم می‌خورد. خوشبختانه توفیق داشته‌ام به عنوان یک دانش‌آموخته فلسفه که دغدغه‌های اگزیستانسیل گریبان او را رها نمی‌کند، تأملات بیست ساله‌ام درباره مضامین اشعار سپهری را در دو اثر در «سپهر سپهری» و «فلسفه لاجوردی سپهری» منتشر کنم. در این دو کتاب، روایت خویش از مقولات و مفاهیمی چون مرگ، غم، تنهایی معنوی، عشق، امر متعالی، فلسفه لاجوردی، هیچستان، رؤیا، ایمان و ... در اشعار سپهری را در جستارهایی جداگانه به بحث گذاشته‌ام.

او سویه‌های مشترک اندیشه سپهری با فلاسفه و متفکران را برایمان چنین توصیف می‌کند: «اگر قرار باشد سپهری را در زمره متفکران به شمار آوریم، می‌توان او را به برخی از فیلسوفان اگزیستانسیالیست نظیر یاسپرس تشبیه کرد که دغدغه‌های عمیق اگزیستانسیال در آثارشان موج می‌زند. در عین حال، می‌توان او را با رمان‌نویسانی چون تولستوی و داستایوفسکی قیاس کرد؛ چنانکه برخی از محققان و پژوهشگران، این نویسندگان را در شمار متفکران اگزیستانسیالیست قلمداد کرده‌اند. در سنت ایرانی - اسلامی نیز، می‌توان سپهری را با علی شریعتی و داریوش شایگان مقایسه کرد. از همین رو، یکی از مقالات «فلسفه لاجوردی سپهری»، «هبوط در هیچستان»، متکفل بحث تطبیقی میان «هشت کتاب» سپهری و «کویریات» علی شریعتی است.»

این پژوهشگر حوزه فلسفه اخلاق در توضیح قرائت تطبیقی از آثار و آرای سپهری عنوان کرد: «دو سال پیش در کلاس «درآمدی بر اگزیستانسیالیسم» در دپارتمان فلسفه دانشگاه تورنتو شرکت کردم. در آنجا افزون بر نیچه و هایدگر و یاسپرس و کامو و سارتر، استاد مربوطه چند جلسه هم به داستایوفسکی و ویکتور فرانکل پرداخت و آثارشان را به بحث گذاشت. بدین معنا، سپهری هم، نظیر فروغ فرخزاد و احمد شاملو دغدغه‌های ژرف اگزیستانسیال دارد و شاعری است در زمره متفکران اگزیستانسیالیست؛ همانطور که داستایوفسکی، رمان‌نویسی است در عداد متفکران اگزیستانسیالیست و رمان‌هایش مملو از بارقه‌ها و اخگرهای اگزیستانسیل و عافیت‌سوز است.»

بخش‌های کتاب «فلسفه لاجوردی سپهری» به این صورت دسته‌بندی می‌شوند که جستار نخست آن به بررسی مضامین دفتر شعر «ما هیچ ما نگاه» سپهری می‌پردازد و نویسنده از «فلسفه‌ای که لاجوردی رنگ است» سراغ می‌گیرد. سپس در جستار دوم، تصویری از احوال و تجارب اگزیستانسیال سهراب ارائه می‌کند که در دفتر شعر «زندگی خواب‌ها» آمده است. بازخوانی تطبیقی میان «کویریات» دکتر شریعتی و «هشت کتاب» سپهری در جستار سوم با عنوان «هبوط در هیچستان» آمده است و بر مفاهیم «عشق»، «عدم»، «تنهایی»، «آرامش سرد»، و «ترس‌انگیز بودن هستی» تأکید دارد. دباغ، شریعتی و سپهری را در زمره سالکان مدرنی قلمداد می‌کند که در جهان راز زدایی شده کنونی همچنان دلمشغول ساحت قدسی‌اند و در پی جستن راهی به «اقلیم گمشده وجود». البته سروش دباغ در این کتاب دوری سهراب سپهری از سیاست را مورد

انتقاد قرار می‌دهد و در توجیه این ادعای خود به «خبرنگار ایران» می‌گوید: «سپهری به رغم اشاراتی در دفتر «مسافر» و برخی از اشعار دفتر «حجم سبز» نظیر «و پیامی در راه»؛ چندان در آثار خود به مفهوم «دیگری» نپرداخته است. از این رو، از منظر میزان پرداختن به مباحث اخلاقی، نقصانی در کار او دیده می‌شود؛ چرا که اخلاق همانطور که لویناس آورده با «دیگری» و پرداختن به «دیگری» آغاز می‌شود.» وی در این مورد اضافه کرد: «در واقع سپهری به عنوان یک متفکر اگزیستانسیالیست، به نحو نظام‌مند و فراگیر به «دیگری» نپرداخته است. اگر میان اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی تفکیک کنیم، می‌توان از «هشت کتاب» سهراب، بهره‌های سلوکی فردی و باطنی فراوان برد و از منظر سهراب به هستی نگاه کرد و لذت برد اما برای سامان بخشیدن به مناسبات و روابط اخلاقی در سپهر اجتماع و سیاست، سپهری سخن چندان ندارد؛ ظاهراً این امور در زمره دلمشغولی‌های جدی‌اش نبوده است.»

دکتر سروش دباغ بیش از سه سال است که با درنگ و تتبع در باب «عرفان مدرن» که به زعم وی ذیل «دینداری تجربت‌اندیش» گنجانده می‌شود، در پی معنادهی به مفاهیم معنوی در عالم جدید است. برای مثال او در این کتاب در بیان نسبت «سالک مدرن» با «سیاست» معتقد است سالک عصر جدید می‌تواند و «بایسته» است که در مقام عمل دلمشغول سیاست باشد و این امر هم‌عنان با سازوکار دموکراتیک و پاسداشت حقوق بشر است که حافظ‌وار اخلاق را بر صدر مناسبات و روابط میان انسان‌ها و نهادهای دینی می‌نشانند.

عناوین جستارهای دیگر این کتاب بدین شرح است: «من چه سبزم امروز»، «سلوک عرفانی و امر سیاسی»، «مرگ در ذهن اقاقی جاریست» و «مناسک فقهی و سلوک عرفانی» که در ادامه مقالات پروژه‌ای که وی آن را «طرح‌واره‌ای از عرفان مدرن» می‌خواند، ارائه شده‌اند. نویسنده در بخش‌های پایانی کتاب «سیمای زن در هشت کتاب سپهری» را مورد بررسی قرار داده و به تأمل در باب اصناف ایمان‌ورزی پرداخته است.

مقالات این کتاب ناظر به ایماژهای شعر سهراب است که دباغ دیدگاهی هرمنوتیکی (تفسیر و تأویل متن) از آنها ارائه کرده است که با تأسی از نظم و میراث ماندگار معنوی سپهری، پنجره ذهن مخاطب را به نظرگاه اندیشه‌های نو درباره عرفان و سلوک عرفانی می‌گشاید.